

نامۀ ادبی ماهیانه

# مجله ارمغان

☆ (۴) ☆  
۱۹۳۰ م سیدجی

☆ (اردیبهشت) ☆  
۱۳۰۹ شمسی

تاسیس بهمن ماه ۱۲۹۸ شمسی

مدیر و نگارنده و حید دستگردی

شماره ۲

سال یازدهم

بقلم آقای سعید نفیسی

## وزرای آل سامان

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
خانواده جیهانیان

در دربار آل سامان دو خاندان بزرگ از وزرای محشر دانش پرور بوده اند که تقریباً از آغاز شهرسازی این سلسله معروف قرن چهارم تا اواخر آن دوره دست اندرکار مانده اند. نخستین آنها خاندان جیهانیان است و دومین خانواده بلعمیان که در مقالاتی دیگر از آن بحث خواهیم کرد.

از خاندان جیهانیان سه وزیر و دو امیر بر خاسته اند: نخست ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی، پس از او پسرش ابوعلی محمد بن محمد جیهانی و سپس برادرش ابوالفضل محمد بن احمد جیهانی و پس از آن برادر دیگر عبدالله بن احمد جیهانی و پس از او منصور جیهانی

## ۱- ابو عبدالله بن منصور

از احوال ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی وزیر و مؤلف دانشمند و خرد-  
پرور معروف جز سطری چند پراکنده در کتب تاریخ و ادب ذکری نمانده است  
و از همان سطور پریشان میتوان بجالات قدر و سمو شأن او در علم و عمل پی  
برد و تادرجه‌ای در احوال وی بحث کرد.

ابن اثیر در وقایع سال ۳۰۱ و ذکر قتل احمد بن اسمعیل سامانی و بتخت  
نشستن پسرش نصر بن احمد مینویسد: «... و تدبیر پادشاهی سعید نصر بن  
احمد را ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی سپردند و وی کارها را بدست اندر  
گرفت و کشور ویرا سامان بداد و با حشم نصر بن احمد در ساختن کارها یکتا  
شد و کارها را بنیان استوار کردند (۱)».

گر دیزی در زین الاخبار مینویسد (۲): «صاحب تدبیرش [۳] ابو عبدالله  
محمد بن احمد الجیهانی بود. کارها را بوجه نیکویش گرفت و همی راند و ابو  
عبدالله جیهانی مردی دانا بود و سخت هوشیار و جلد و فاضل و اندر همه  
چیزها بصارت داشت و او را تالیفهای بسیار ست اندر هر فنی و علمی و چون  
او بوزارت بنشست بهمه ممالک جهان نامها نوشت و رسمهای همه درگاهها و  
همه دیوانها بخواست تانسخت کردند و بنزدیک او آوردند. چون ولایت روم  
و ترکستان و همدوستان و چین و عراق و شام و مصر و زنج و زابل و کابل و

[۱] و تولى تدبیر دولة السعید نصر بن احمد ابو عبدالله محمد بن احمد الجیهانی  
فاهضی الامور و ضبط المملکة و اتفق هو و حشم نصر بن احمد علی تدبیر الامور  
فا حکموه

(۲) چاپ بران - ص ۲۵-۲۶

(۳) یعنی نصر بن احمد که پیش از این اسم او رفته است.

سند و عرب . همه رسمهای جهان بنزدیک او آوردند و آن همه نسخه ها پیش بنهاد و اندر آن نیک تامل کرد و هر رسمی نکوتر و پسندیده تر بود از آن جا برداشت و آن چه ناستوده تر بود بگذاشت و آن رسم های نیکو را بگرفت و فرمود تا همه اهل درگاه و دیوان حضرت بخارا آن رسمها را استعمال کردند و برای و تدبیر جهانی همه کار مملکت نظام گرفت ...»

ابو نصر قبایوی در ترجمه تاریخ بخارای نرشخی (۴) در همین باب می نویسد :

«... چون از دفن امیر شهید (ه) فارغ شدند پسر او نصر را سعید لقب کردند و وی هشت ساله بود و وزارت او ابو عبدالله محمد بن احمد - الجیهانی گرفت ...»

منهاج الدین بن سراج الدین گورگانی در کتاب طبقات ناصری (۶) هم درین باب گوید :

«... پس از آنکه وی (۷) بتخت نشست ابو عبدالله محمد بن احمد الجیهانی

[۴] چاپ شفر مستشرق فرانسوی - پاریس ۱۸۹۲ - ص ۹۲

(۵) مراد احمد بن اسمعیلیست که پیش از این وزیرا نامی برده.

[۶] از این کتاب قسمتی که از غزنویان ببعدهست جزو سلسله انتشارات

انجمن آسیائی کلکته سال ۱۸۶۴ چاپ شده که این مطالب در آن نیست ولی چون ترجمه بسیار گران بها حواشی فاضلانه مستشرق معروف انگلیسی را ورتی باسم

Tabakat — I—Nasiri , by Major H.G. Raverty—London, 1881, 2v,

از آن در دو جلد انتشار داده است این سطور را از صحیفه ۳۶ جلد اول ترجمه

انگلیسی آوردم و بمتن فارسی آن مردسترس نبود

(۷) یعنی نصر بن احمد که پیش از آن اسم اورفته است

را بنیابت برگزیدند و اووردی صاحب بصیرت و رأی صائب بوده اداره کشور را بعدل و نصفت بکف اندر گرفت و با وفائی و صمیمیتی از راه میانه روی و نیکو کاری باز نگشت ولی چون امیر خرد سال بود عمال و نجبای دولت ذهن ویرا همی شورانیدند...»

محمد بن خاوند شاه بن محمود در کتاب روضة الصفا (۸) هم درین باب آورده است:

«... ابو عبدالله محمد بن احمد وزیر متکفل امور ملک شده بضبط مهام قیام نموده تا آن زمان که نصر بن رشد رسید و باتفاق پادشاه و وزیر احوال ملک نظام و انتظام یافت...»

و پیداست که از ابو عبدالله محمد بن احمد وزیر مراد همان جیهانیست ابن اثیر در وقایع سال ۳۰۲ و شرح مخالفت منصور بن اسحاق بن احمد بن اسد سامانی بر امیر نصر بن احمد و در بند ماندن حسین بن علی در بخارا می نویسد: «... اما حسین بن علی در بخارا بند افتاد تا آنکه ابو عبدالله جیهانی ویرا رهائی بداد و بنزد امیر نصر بن احمد بازگشت (۹)»

ابن ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی گذشته از خصال بزرگ مانند دادگری و تعصب نداشتن و با منصفیت و رأی روشن بودن و بمنعم خویش کفر نوزیدن که همه از خصایل ستوده وزیرانست مردی در دانش طاف و مشهور زمانه خویش بوده است چنانکه در میان علمای عصر مقامی رفیع داشته و هر چنانکه از گفته گردیزی آوردم ویرا در علوم و فنون بسیار مؤلفات شهره بوده است و یاقوت

(۸) چاپ طهران - ۷۱ - ۱۲۷۰ جلد چهارم ذکر ملوک آل سامان

(۹) و اما الحسن بن علی فانه حبس بخاری الی ان خلاصه ابو عبدالله الجیهانی و عاد

الی خدمة الامیر نصر بن احمد

حموی در معجم الادباء (۱۰) ترجمه حالی از او نگاشته و میگوید:

« جیهانی ابو عبدالله وزیر نصر بن احمد بن نصر (۱۱) سامانی صاحب خراسان ادیب دانا بود و محمد بن اسحق ندیم (۱۲) از وی ذکری کرده است و گوید ازوست « کتاب آئین » و « کتاب العهود والخلفاء والامراء » و « کتاب المسالك والممالك » و « کتاب الزیادات فی کتاب الناشی من المقالات » و مر احمد بن ابی بکر کاتب راست اندر هجای ابو عبدالله جیهانی ... (۱۳) این ابیات را ابوالحسن محمد بن سلیمان بن محمد در کتاب « فریدالتاریخ فی اخبار خراسان » آورده است و گوید دیگری اندر هجای وی گفته است و گمان بلجام (۱۴) میرود (۱۳) ... و گوید پس سدید منصور بن نوح بمرد و جایش برضی ابوالقاسم نوح بن منصور رسید و جیهانی در وزارت همی بود تا در ماه ربیع الاخر سال

(۱۰) چاپ اوقاف گیب - ج ۲ - ۱۹۲۴ - ص ۶۰ - ۵۹

(۱۱) در اصل چنینست و این خطای فاحش بود و باید نصر بن احمد بن اسمعیل باشد و نه نصر بن احمد بن نصر

(۱۲) مراد ابن الندیم و راقست مؤلف معروف در کتاب الفهرست که متأسفانه درین موقع بدان دسترس نداشتیم و احمد زکی پاشا ادیب مصری معاصر در حواشی کتاب التاج جاحظ [چاپ قاهره - ۱۳۳۲ - ص ۱۹۲] همین مطالب را آورده و اسم جیهانی را احمد بن محمد بن نصر ضبط کرده است

(۱۳) این ابیات را بجای دیگر خواهم آورد

(۱۴) مراد ابوالحسن علی بن الحسن اللجام الحیرانی شاعر معروفست - رجوع

شود بکتاب بئیمة الدهر ثعالبی - چاپ دمشق - ج ۴ - ص ۴۵ - ۳۴

۳۶۷ وزارت از و گرفته شد و ابو الحسن بن احمد عتبی را سپردند  
(۱۵) . . . . . ه

بعیدست و حتی دلیل بررد بسیارست که ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی  
تاسال ۳۶۷ و تا زمان ابوالقاسم نوح بن منصور سامانی [ ۳۸۷ - ۳۶۶ ] در  
وزارت مانده باشد چه قطعاً چنانکه گذشت در جالوس نصر بن احمد ویرانیات  
سلطنت برداشته اند و مسلمست که پیش از آن هم وزیر بوده و در زمان احمد بن  
اسمعیل این مقام را داشته و چون پیش از و ابوالفضل محمد بن عبدالله بلعمی در  
وزارت بوده است معلومست که بلافاصله پس از بلعمی بوزارت احمد بن اسمعیل  
رسیده است چنانکه شمس الدین المقدسی در کتاب احسن التقاسیم فی معرفة  
الاقالیم در ذکر پادشاهی آل سامان و پس از سلطنت اسمعیل (۱۶) گوید: «... و پس  
از و [ ۱۷ ] پسرش احمد بنشست و در فربر کشته شد و وی را شهید نامیدند پس  
پسرش نصر بنشست و حاجب وی ذوغوا و سپاهسالارش حمویه و وزیرش

(۱۵) الجیهانی ابو عبدالله وزیر نصر بن احمد السامانی صاحب خراسان کان  
ادیباً فاضلاً ذکره محمد بن اسحق الندیم و قال له من الکتب کتاب الین ، کتاب العهود  
والخلفاء والامراء . کتاب المسالك والممالك ، کتاب الزیادات فی کتاب الناشی عن  
المقالات و لاحمد بن ابی بکر الکتب یجوابا عبدالله الجیهانی . . . ذکر هذه الابیات ابو الحسن  
محمد بن سلیمان بن محمد فی کتاب فرید التاریخ فی اخبار خراسان و قال  
فیه بعضهم یجوه قال و اظنه اللجام . . . قال ثم مات السدید منصور بن  
نوح و قام مقامه الرضی ابوالقاسم نوح بن منصور و الجیهانی علی وزارتہ ثم صرف  
عنه الوزاره فی شهر ربیع الاخر سنة ۳۶۷ و ولیها ابو الحسن بن عبدالله بن احمد العتبی

(۱۶) چاپ لیدن ۱۹۰۶ - ص ۲۲۷

(۱۷) یعنی اسمعیل سامانی که پیش از آن نام برده است

ابوالفضل بن یعقوب و پس از او ابوالفضل بلعمی و پس از او ابو عبدالله جیهانی بود [۱۸] ۰۰۰ « منتهی مقدسی را شبهتی روی داده و وزارت ابوالفضل بن یعقوب نیشابوری و ابوالفضل بلعمی را که در زمان امیر اسمعیل و آغاز وزارت جیهانی را که در زندگانی احمد بن اسمعیل بوده است در زمان نصر بن احمد قرار داده و این مختصر را گنجایش ثبوت این نکته نیست و گرنه دلائل بسیارست و استوار تر دلیل آنست که ابی منصور ثعالبی که نزدیکترین مؤلفست بان زمان و مطلع تر در شرح احوال ابی احمد بن ابی بکر کاتب [۱۹] مینویسد: « پدرش ابوبکر بن حامد دبیر امیر اسمعیل بن احمد و وزیر امیر احمد ابن اسمعیل بود پیش از ابی عبدالله جیهانی بزرگ [۲۰] ۰۰۰ » و این صراحتست بر اینکه جیهانی در زمان احمد بن اسمعیل بوزارت آغاز کرده است و پیش از او ابوبکر بن حامد وزارت داشته ، پس پیداست که ابو عبدالله جیهانی از زمان احمد ابن اسمعیل در وزارت بوده و اگر تا سال ۳۶۷ در وزارت بوده باشد لازم می آید که وزیر شش نفر از امرای آل سامان بوده باشد بدین قرار : احمد بن اسمعیل [۳۰۱ - ۲۹۰] - نصر بن احمد [۳۳۱ - ۳۰۱] - نوح بن نصر (۳۳۱ - ۳۴۳) - عبدالملک بن نوح (۳۵۰ - ۳۴۳) - منصور بن عبد الملک (۳۶۶ - ۳۵۰)

(۱۸) و جاس بعده ابنه احمد ققتل بفربرو سموه الشهد ثم جاس ابنه نصر وکان حاجبه ابو جعفر ذوغوا و صاحب حیشه حمویه و وزیره ابوالفضل ابن یعقوب النیسابوری ثم ابوالفضل البلعمی ثم ابو عبدالله الجیهانی

(۱۹) چاپ دمشق - ج ۴ - ص ۳

(۲۰) ابوه ابوبکر بن حامد کان کاتب الامیر اسمعیل بن احمد و وزیر الامیر احمد بن اسمعیل قبل ابی عبدالله الجیهانی الکبیر ( درین کتاب همه جا اسم جیهانی « جیهانی » چاپ شده است و واضحست که تحریفی رام یافته)

و نوح بن منصور (۳۸۷-۳۶۶) و این بسیار بعید است که يك تن وزیر شش نفر امیر یابی بوده باشد و با همه تصاریف زمان بر جای خویش بماند و چون فرض کنیم که در سال ۳۰۱ همان سال درگذشتن احمد بن اسمعیل و بر نشستن نصر بن احمد بوزارت رسیده بیش و از يك سال وزیر احمد نبوده باشد [و این خود کمترین فرض ممکن است] و تا سال ۳۶۷ در جای خود باقی مانده باشد بناچار میبایست بیش از شصت و شش سال در وزارت بوده باشد و این از محالات عقلی و فرضیست پس وی را چندان عمر بوده است که از شمار و قیاس معمول افزون بود و قطعاً از ریز ولادت تادم مرک وزیر نزیسته است و دیگر دلیل آنست که در شرح احوال پسرش ابوعلی خواهد آمد که وی پس از ابوالفضل بلعمی بسال ۳۲۶ بوزارت رسیده و البته ممکن نیست پدر و پسر با هم وزارت کرده باشند و قطعاً ابو عبدالله فرمان یافته و پس از او مدتی ابوالفضل بلعمی وزارت داشته و از آن پس ابوعلی پسر این ابو عبدالله بوزارت رسیده است و محالست که بار دیگر پدر را وزارت داده باشند و پدر و پسر جانشین یکدیگر شوند و از گهی اقوی دلیل آنست که ابو عبدالله همه جا بوزارت نصر بن احمد نامبردارست و چنین مدت وزارت شصت و چند ساله را کسی در حق وی نیاورده است و اگر روی داده بود البته واقعه بدین شگفتی از تاریخ فوت نمیشد پس را شکمی نیست که این تاریخ ربیع الاخر سال ۳۶۷ که یاقوت برای عزل ابو عبدالله آورده بکلی خطاست مگر آنکه تحریفی رفته باشد و ابو عبدالله سالها پیش از آن درگذشته است و حتی در سال ۳۲۶ که پسرش وزارت یافته در حیات نبوده است .

اما این بزرگ مرد را در عالم علم مقام شامخ تر از عالم سیاست و صاحب مؤلفات کثیر بوده چنانکه با سمر بعضی از آنها اشارت رفت . در میان مؤلفات



او آنکه رایج تر و از همه معروف تر بوده است کتابی بوده با اسم «کتاب المسالك والممالك» که در میان مؤلفین جغرافیای ایرانی و عرب مقام بسیار بلند داشته و همه جا آنرا بخوبی ستوده اند. از انجمله مقدسی در مقدمه همان احسن التقاسیم (۲۱) در مقدمات گوید:

«... ابو عبدالله جیهانی وزیر امیر خراسان بود و در فلسفه و نجوم و هیئت دست داشت و بیگانگان را گرد کرد و از کشورها و راهها و چگونگی آن راهها از ارتفاع اختران و ایستادن سایهها در آن ممالک باز پرسید تا بدان بکشادن شهرها کام یابد و راه گشادن بدانند و علم اختران و گردش فلک بروراست شد و دیدی چگونه عالم بر هفت اقلیم نهاده است و هر اقلیمی را کوکبی نهاد. یک جای چنانکه در نجوم و هندسه است بیاورد، و جای دیگر آنچه عوام را اندر آن سود نیست هم بیاورد، و یک جای از بتان هندوستان و جای دیگر از شکفتیهای دیار سند سخن راندن گرفت و یک جای اندر از خراج ورد، و من در آن از منازل ناشناس و مراحل دور افتاده ذکر یافتم و لیکن از شهرها بتفصیل نکرده است و سنکلاخهارا ترتیب نهاده و از شهرستایا وصف نرانده است و چنانکه باید ذکر کرده ولیکن راهها را از خاور بباختر و از شمال بجنوب با شرح آنچه در راههاست از هامونها و کوهسارها و دشتها و پشتهها و بیشهها و جویها آورده است و بدین کتاب را بدرازا کشانیده و از بیشتر راههای سنکلاخ و چگونگی شهرستانهای نیکو همی باز بمانده است «۲۲...»

[۲۱] چاپ سابق الذکر، ص ۴ - ۳

(۲۲) اما ابو عبدالله الجیهانی فانه قد کان وزیر امیر خراسان و کان صاحب فلسفه و نجوم و هیئته فی جمع الغرباء و سؤالهم عن الممالك و دخلها و کیف المسالك الیه و ارتفاع الخس

پس این عبارات در نسخی دیگر از بن کتاب این کلمات بوده است که بحاشیت آن افزوده اند: «... و من کتاب وی را در هفت مجلد بکتابخانه عضدالدوله ترجمه نشده یافتیم و میگفتند شاید از ابن خرداد به باشد و در نیشابورد و کتاب مختصر دیدم که ترجمه کرده بودند یکی از ان جیهانی و دیگری از ان ابن خرداد به و مطالب هر دو یکسان بود جز آنکه جیهانی چیزی بر آن افزوده بود (۲۳)».

ابوالحسن مسعودی مؤلف مشهور نیز وصنی از این کتاب کرده است و در «کتاب التنبیه والاشراف» پس از ذکر کتاب المسالك و الممالك از احمد بن طیب سرخسی (۲۴) گوید: «... و نیز ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی وزیر نصر بن احمد بن اسمعیل بن احمد بن اسد صاحب خراسان کتابی کرده است در چگونگی

منها و قیام الظل فیها لیتوصل بذلك الی فتوح البلادان و يعرف دخلها و یتقیر له عام النجوم و دوران الفلك الانری کیف جعل العالم سبعة اقالیم و جعل الکل اقلیم کو کبار مرة یدکر النجوم و الهندسه و کرة یورد مالیس المعوم فیہ فایده و تاره ینعت اصنام الهند و طور الصیف عجائب السند و حینا ینفصل الخراج و الردور اتی ذکر منازل مجهولة و مراحل مهجورة لمر ینفصل الکور و لارتب اجناد و لا وصف المدن و لا استوعب ذکر حابل ذکر الطرق شرقا و غربا و شمالا و جنوبا مع شرح ما فیها من الهول و الجبال و الا و دینه و التلال و المشاجر و الانهار و بذالک طال کتابه و غفل عن اکثر طرق الاجناد و وصف مدائن الجیاد

(۲۳) و رایت کتابه فی سبع مجلدات فی خزائن عضدالدوله غیر مترجم و قیل بل هو لابن خرداد به و رایت مختصرین بنیسا بورد مترجمین احدهما للجیهانی و الاخر لابن خرداد به یتفق معانیها غیر ان الجیهانی قد زاد شیئا سیرا

جهان و اخباران و آنچه شگفتی ها و شهرها و آبادانی ها و دریاها و جویها و مردمان در آنست و خانهای ایشان و جز آن از اخبار شکر ف و داستانهای نیکو (۲۵) ...  
بقیه دارد

## « دزدان خوشبخت و بدبخت »

(مقدمه)

چنانچه اگر در يك خانواده بحکم عادت دزدی طبیعت ثانوی شد آن خانواده معدوم میشود يك کشور هم اگر بدین درد مبتلا گردید دست از کار و کسب کشیده و ناگزیر بديار عدم رهسپار خواهد شد .

### دزدی چیست

دزدی عبارتست از ربودن نتیجه کار و دست دیگران بهر حلیتی باشد . در لغت عرب که وسیع ترین لغات عالم است برای شقوق و انواع دزدی لغات بسیار وضع شده ولی با مناسبات کنونی و حیل و دسائس عصر تجدد آن همه لغت وافی تمام مقصود نیست و در زبان فارسی جز تعبیر معنی دزدی و شعول از راه اشتراك معنوی اقسام و انواع این عمل زشت را نمیتوان ادا کرد . اینک نمونه از لغات موضوعه عرب . سارق کسیکه نهان شده و مال کبیرا بریاید . مخلس کسیکه آشکار بریاید . منتهب آنکه بزور بریاید . خائن آنکه بعنوان امانت بریاید . صعلوك رباینده اعم از آشکار و پنهان . خارب شتر دزد . عثمان خیاط . که یکی از مشاهیر دزدانست دزد را در سفر و حضر پنج قسمت کرده : محقال

(۲۵) و كذلك ابو عبد الله محمد بن احمد الجیهانی وزیر نصر بن احمد بن اسماعیل بن احمد بن اسد صاحب خراسان الف کتابا فی صفة العالم و اخباره و مافیہ من العجائب و المدن و الامصار و البحار و الانهار و الامم و مساکنهم و غیر ذلك من الاخبار العجیبه و القصص الظریفه